

سده از اتحاد، تشکل و همبستگی کارگری لازم است! تعرض به کارگران کارگاههای نساجی سنندج ادامه دارد!

رهبران کارگران را یکی پس از دیگری و از طریق ارگانه‌های انتظامی و پلیسی مورد حمله و آزار و تعقیب قرار داده و اخراج کرده‌اند. شیث اماتی، بهزاد سهرابی و تعداد بیشتری در این کارخانه‌ها تا کنون اخراج شده‌اند.

کارفرمایان طمعکار و ضد کارگر تلاششان این است که کارگران قدیمی و باسابقه‌تر را از محیط کار برانند و کارگران کم تجربه و کم توقع‌تر را به کار بگمارند. از جمله می‌خواهند با استخدام موقت زنان و دختران جوان بیحقوقی محض را به آنان تحمیل کنند.

صفحه ۳



مظفر محمدی

ابتدا کارخانه شاهو، سپس نساجی کردستان و سرانجام پرریس منته‌است مورد تعرض کارفرما قرار دارند. صاحبان این شرکتها ابتدا به کارگران استخدامی تعرض نمودند و قراردادهای موقت دو ماهه و یک ماهه را به کارگران تحمیل کرده‌اند. با وجود این به اینها بسنده نکرده و فعالین و

حزب سیاسی توده ای، حزب نجات دهنده جامعه! (مصاحبه رحمان حسین زاده حول کنگره اول حزب حکمتیست)



اکتبر:

کنگره اول حزب حکمتیست در روزهای 21 و 22 اکتبر 2006 برگزار گردید. در یک تصویر عمومی کنگره را چگونه ارزیابی میکنید؟

رحمان حسین زاده:

کنگره اول حزب حکمتیست به هر لحاظ موفق بود. با اهدافی که این کنگره برای خود گذاشته بود و با سنجشهای کاملاً ابژکتیو میتوان موفقیت این کنگره را نشان داد. کل کنگره و حتی

پروسه تدارک سیاسی و عملی آن نمونه یک کنگره باز، علنی و شفاف بود. تمامی مباحث این کنگره از گزارش ابعاد مختلف فعالیت این حزب تا کل قطعنامه‌ها و قرارهای پیشنهادی به این کنگره چه آنها که در دستور قرار گرفتند و چه آنها که به دلیل کمبود وقت در دستور قرار نگرفتند در 6 شماره نشریه ویژه کنگره به قضاوت همگان گذاشته شد. اسناد مخالف و موافق و سخنرانیهای پر حرارت مخالف و موافق در برابر هم قرار گرفتند و نهایتاً کنگره با چشمان باز انتخاب کرد و اسناد ضروری را تصویب کرد و کل حزب را به وحدت اراده حول این مصوبات متعهد کرد. شفافیت و علنیت در

صحنه سیاست و تعدد نظرات و وحدت اراده از سیاستها و پرنسیپهای اعلام شده این حزب است که کنگره اول با برجستگی خاصی وجوه مختلف این پدیده‌ها را به نمایش گذاشت. کنگره مورد توجه جدی بیرون از حزب بود. حضور فعال مهمانان از میان احزاب و شخصیتهای سیاسی و اجتماعی و فرهنگی ایران، از میان دوستداران حزب و از میان کمونیستهای عراق دلگرم کننده بود. کنگره پر جمعیت و ترکیب متنوعی داشت. بالاترین ظرفیت ممکن در سالن کنگره تجمع کردند، به نحوی که دست اندرکاران کنگره در روزهای آخر با مشکل پذیرش بیشتر مهمانان روبرو شدند. کنگره در

کمیته کردستان به اتفاق آراء اسد گلچینی را به عنوان معاون دبیر کمیته انتخاب کرد.

هیئت اجرایی کمیته کردستان حزب حکمتیست
اول نوامبر 2006

حسین زاده را به عنوان دبیر کمیته کردستان و هفت نفر دیگر: رفقا اسد گلچینی، صالح سرداری، مظفر محمدی، عبدالله دارابی، رحمت فاتحی، مریم افراسیاب پورو سلام زیجی را به عنوان اعضای هیئت اجرایی انتخاب نمود.

در اولین جلسه هیئت اجرایی کمیته کردستان از جانب دبیر کمیته، اسد گلچینی به عنوان کانید معاون دبیر کمیته کردستان برای اخذ رای اعتماد به هیئت اجرایی معرفی شد. هیئت اجرایی

نشست کمیته کردستان حزب حکمتیست برگزار شد.

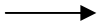
آراء به عضویت اسد گلچینی در کمیته کردستان رای دادند. سپس در چارچوب مباحث مربوط به آرایش بالای کمیته کردستان نظرات مختلف مورد بحث و بررسی قرار گرفت. به دنبال اظهار نظر اعضای کمیته کردستان انتخابات برای دبیر کمیته و اعضای هیئت اجرایی کمیته کردستان صورت گرفت. نشست کمیته کردستان با اکثریت آراء رحمان

به دنبال کنگره اول حزب و در تاریخ 22 اکتبر 2006 نشست کمیته کردستان حزب حکمتیست با شرکت اکثریت اعضای کمیته کردستان برگزار شد. ابتدا پیشنهاد کمیته رهبری حزب مبنی بر انتقال تمام وقت اسد گلچینی و عضویت آن در کمیته کردستان حزب به رای گذاشته شد. حاضرین در جلسه به اتفاق

مصوب کنگره اول حزب حکمتیست
قرار در مورد
ضرورت تشدید مبارزه علیه قوم پرستی و
طرح فدرالیسم

مصوب کنگره اول حزب حکمتیست
قرار در مورد
گسترش سریع واحدهای گارد آزادی در شهرهای ایران

آزادی، برابری، حکومت کارگری!



اکتبر

کنگره اول حزب قطعنامه ها و مصوبات متعدد داشته است. در میان آنها قرار " ضرورت تشدید مبارزه علیه قوم پرستی و فدرالیسم " ربط بسیار مستقیمی به تحولات سیاسی در کردستان و وظایف حزب در کردستان دارد. در مورد ضرورت تصویب این قرار توضیحات بیشتری بدهید؟

رحمان حسین زاده:

بگذارید در اینجا همان نکاتی را یادآور شوم که در معرفی این قرار در کنگره بیان کردم. جنبش ما و حزب ما در مقابله با خطر قوم پرستی و فدرالیسم اسناد و نوشته های جامعی دارد. به این لحاظ قرار مورد نظر نکته مضمونی بیشتری ندارد. اما این قرار یک بیقراری و بیثباتی و یک تعجیل حزب ما را در مبارزه علیه قوم پرستی و در سنگر بندی علیه طرح سیاه فدرالیسم برجسته میکند. خود قرار به این لحاظ گویا است و امیدوارم در همین شماره نشریه منتشر شود. تحقق عملی قوم پرستی و فدرالیسم یعنی تکرار فجایعی که همین امروز در کشور همسایه در عراق شاهد آن هستیم. سیاست و سیاستمدارانی هستند، کشتار هر روزه انسانها در عراق را می بینند، منفجر شدن کودکانها و مدارس و دانشگاه و

محل اجتماع و زندگی مردم و لت و پار شدن انسانها را در این محیط ها می بینند، عدم تامین کوچکترین امنیت را شاهند، گسترش پاکسازیهای قومی و مذهبی و گورهای جمعی را می بینند و درست با سرمایه گذاری بر این تباهی جامعه فکر میکنند، میتوانند درجایی و گوشه ای به نان و نوابی برسند. درست از روی این وقایع برای جامعه ایران نسخه می پیچند و ظاهرا سیاست و طرح فدرالیستی را تجویز میکنند. این قرار میگوید نفرت بر این سیاست و سیاستمداران. چنین سیاست و سیاستمداران جیبونی به دخالت نظامی آمریکا امید می بندند، به پول و اسلحه اهدایی پنتاگون متکی میشوند و میخواهند نقش گانگسترهای کنونی عراق را در ایران اجرا کنند. از جمله در کردستان ایران سران حزب دمکرات و سازمان زحمتکشان و امثال هجری، مهتدی و ایلخانی زاده و ملا حسن زاده میخواهند پیشقراول این سناریوی سیاه باشند. فعلا با ناکامیهای آمریکا در منطقه، ناکام و سردرگم مانده اند. اما ناکامی قطعی آنها در انجام این پروژه در گرو حضور محکم صف آزادیخواهان و کمونیستی ما در جامعه کردستان است. این قرار مقابله قاطع علیه این تیپ جریانات و گانگسترها را در سراسر ایران تاکید میکند. در مقابل سناریو و سیاست سیاه این جریانات، این قرار، ما و حزب ما

را به عنوان سیاست و سیاستمدارانی به مردم معرفی میکند، که تضمین زندگی و امنیت و معیشت مردم و تامین حقوق انسانها در پروسه سرتنگونی به دور از هر دسته بندی کذب و قلابی دغدغه شب و روز آنها است. که خطر دخالت نظامی آمریکا و گسترش قوم پرستی و پاکسازی قومی را کابوس آینده مردم ایران میدانند. که ضرورت سنگربندی محکم در مقابل خطر تکرار نسل کشیهای قومی همچون روندا، بالکان، افغانستان، و عراق امروز برای ایران آرامشی برایشان باقی نگذاشته است و میخواهند صف و سنگر خود آگاه و روشن بین و محکم و وسیعی را در مقابله با فدرالیسم ایجاد کنند. این قرار اعلان یک جنگ سیاسی تمام عیار به همه قوم پرستان و فدرالیستها در هر جای ایران است و این قرار اعلام فراخوانی به صف میلیونی انسانهای متنفر از جمهوری اسلامی، همه آزادیخواهان و سازمانها و نهادها و تشکلهای چپ، مترقی و مدنی برای پیوستن به صف مبارزاتی محکم علیه ارتجاع قوم پرستی و فدرالیسم است.

مصوب کنگره اول حزب حکمتیست

قرار در مورد

ضرورت تشدید مبارزه علیه قوم پرستی و طرح فدرالیسم

مبارزه فعال و قاطع علیه قوم پرستی و طرح فدرالیسم برای آینده ایران فرا میخواند.

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست جبهه بی امان مبارزه مستمر علیه قوم پرستان و جریانات ضد انسانی و ضد مردمی فدرالیست را گشوده است. طرد و رسوا کردن جریانات سیاه قوم پرست و فدرالیست، این حلقه بگوشان پنتاگون و بوش و سردمداران سیاهترین نیروهای سیاه و ارتجاع را وظیفه تخطی ناپذیر خود میدانند.

کنگره اول حزب حکمتیست، کارگران و مردم ایران، صف میلیونی انسانهای متنفر از جمهوری اسلامی، همه آزادیخواهان و سازمانها و نهادها و تشکلهای چپ، مترقی و مدنی را به حضور فعال در صف مبارزه علیه قوم پرستی و طرح فدرالیسم فرا میخواند.

قوم پرستانه در ایران و مشخصا در خوزستان، کردستان و آذربایجان شده است. در مواردی از جمله در اهواز و آذربایجان موجب پیدایش تظاهراتی زیر ارتجاعی قوم پرستانه و ناسیونالیستی بوده است. تحرکات ارتجاعی که با شعارها و پلاتفرم نفرت پرانی قومی در صدد پایه گذاشتن کینه و دشمنی در میان صف وسیع انسانهایی است که سالها در کنار هم زیسته اند.

این تجارب نگران کننده و یاد آوری نسل کشیهای قومی در روندا، بالکان، افغانستان و جنگ و کشتار مذهبی و قومی عراق کنونی تحت اشغال آمریکا، هر حزب و جریان اجتماعی مسنول در قبال امنیت و مدنیت مردم و جامعه ایران و متعهد به حقوق اولیه انسان را به صف

سناریوی سیاه عراق در ایران، اتکا این جریانات ضد مردمی و سناریو سیاهی به پول و اسلحه و امکانات تبلیغاتی آمریکا و طرحها و امکانات نظامی پنتاگون به بهانه مقابله با جمهوری اسلامی، فاکتور مهم گسترش فعالیت قوم پرستان و دارودسته های فدرالیست در فضای سیاسی ایران است.

2- بر بستر تداوم حاکمیت سیاه جمهوری اسلامی، گسترش نفرت عمیق مردم از این رژیم و با اتکا به مهندسی افکار دنیا و ژورنالیسم نوکر و ویروس ناسیونالیسم و ناسیونالیستهای رنگارنگ در صحنه سیاسی ایران فعال شده است. مصون نبودن جامعه در مقابل ویروس ناسیونالیسم و قوم پرستی بویژه در غیاب هژمونی و نفوذ عمومی سیاست چپ در جنبش سرتنگونی، موجب تحریک بیشتر

عروج قوم پرستی و بر اساس آن ارائه طرح فدرالیسم در فضای سیاسی ایران، پدیده ای بسیار خطرناک و میتواند بانی جنگ و کشتار و پاکسازی قومی در آینده ایران و حرکتی علیه زندگی و امنیت و مدنیت مردم و جامعه باشد. عروج قوم پرستی و تشدید فعالیت جریانات و گروههای قوم پرست و فدرالیست در یک سال اخیر محصول 2 فاکتور اساسی است.

1- از یک طرف سیاست اعمال فشار آمریکا علیه جمهوری اسلامی و موضوع دخالت نظامی آمریکا و سرمایه گذاری دولت سوپر راست بوش بر گروههای قومی و فدرالیست همچون اهرم فشار و ابزار پیشبرد سیاستهای "نظم نوینی" و زورگویانه و از طرف دیگر امید این جریانات به تکرار تجربه

مصوب کنگره اول حزب حکمتیست قرار در مورد

گسترش سریع واحدهای گارد آزادی در شهرهای ایران

مردم در این پروسه و تسهیل مبارزه مردم برای سرنگونی جمهوری اسلامی، گارد آزادی است. تصمیم و قرار مصوب پلنوم سوم کمیته مرکزی حزب حکمتیست در اکتبر 2005 جواب به این نیاز مهم است.

1- یکی از ابزارهای مهم و اساسی مقابله با خطر سناریوی سیاه در پروسه سرنگونی جمهوری اسلامی و یا بعد از آن، و تضمین بنیادهای زندگی و تضمین امنیت و مدنیت

2- فعالیتهای گارد آزادی در 2 سال اخیر به نقطه امید جنبش آزادی و برابری در ایران تبدیل شده است. اما این سطح از فعالیت و روند ایجاد و گسترش واحد های گارد آزادی در شهر ها به شدت ناکافی و جوابگویی توقعات امروز نیازهای مبارزاتی جامعه و حزب حکمتیست نیست

3- لذا کنگره اول حزب حکمتیست بر گسترش سریع ایجاد واحدهای گارد آزادی در شهرهای ایران تاکید میکند و از رهبری منتخب کنگره اول حزب و دست اندرکاران مستقیم

گارد آزادی میخواهد نقشه مند تر و سریع تر گسترش و ایجاد واحدها و فعالیتهای گارد آزادی در شهرها را تضمین کنند.

کارگران نساجی... از ص آ

تحمل کنند. حقوقهایشان را نپردازند و کارگران را دسته دسته اخراج کنند. کارگران این شرکتهای نساجی تا کنون متحدانه در مقابل سیاستهای ضد انسانی کارفرماها و حامیانشان ایستادگی کرده اند و از همدیگر حمایت بعمل آورده اند. این مبارزات و مقاومتها انسانی و متحدانه میتواند و باید ادامه یابد اما به نظر میرسد زور کارگران این شرکتهای به تنهایی در مقابل این تعرضها کفایت نمیکند. کارگران پر ریس، شاهو و دیگر نساجیهای سنندج به حمایت دیگر بخشهای کارگری نیاز دارند. کارگران خبازیها و خدمات شهری و شهرک صنعتی و دیگر مراکز کار در این شهر نباید تماشاچی این تعرض بیشرمانه کارفرماها و دولت باشند. تعرض به یک کارگر تعرض به همه کارگران و خانواده هایشان است. اخراج یک کارگر و یا رهبر کارگری ضربه ای به همه کارگران شهر است. قراردادهای بیشرمانه موقت و عدم پرداخت حقوق و مزایای کارگران، اخراج کارگران و فعالین و رهبران کارگری امری مربوط به کلیه کارگران که همسرانشان همدیگر هستند، میباشد. کارفرماها میتوانند یکی یکی کارخانه ها

در نتیجه این تلاشهای ضد انسانی صاحبان کارخانجات نساجی با همکاری پلیس و نیروهای امنیتی، سالها است که کارگران کارخانه شاهو و خانواده هایشان آب خوشی از گلویشان پایین نرفته، کارگران نساجی کردستان بارها مورد حمله و آزار کارفرما و نیروهای امنیتی قرار گرفته و اکنون نیز کارگران پرریس تحت این فشار ضد کارگری هستند. تا هم اکنون کارگران شاهو با تحصن خود خواهان حقوق و مزایایشان بوده و ما شاهد اعتصاب و تحصن و اعتراض کارگران پرریس علیه اخراج همکارانشان هستیم. آشکار است که در وهله اول نوبت حمله کارفرما و دولت، فعالین و رهبران کارگران است. تا کارگران را از رهبری و هدایت کنندگان مبارزه شان محروم کنند و ببحقوقی محض را برایشان به ارمغان بیاورند. این سیاست ضد کارگری دست کارفرماها را باز میگذارد تا چون کارخانجات شاهو، نساجی کردستان و سپس پرریس، قراردادهای یک و دوماهه را به کارگران

و شرکتهارا مورد تعرض قرار داده و رهبران کارگران را تهدید و کارگران را زیر فشار بگذارند. اما نه کارفرما و نه دولت از عهده کارگران متحد و همبسته در همه مراکز کار و در سطح شهر بر نمیایند. یک همبستگی و اتحاد با شکوه کارگری را باید ایجاد کرد. این کاری شدنی است اما خودبخودی نیست. این کاری است که دست فعالین و رهبران کارگران در میان همه بخشهای مختلف کار در میان خبازان، خیاطان، کارگاههای صنعتی، کارگران شهرداری و خدمات شهری و ... میبوسد. هنوز نطفه اتحاد فعالین و رهبران کارگری که در روز جهانی کارگر امسال و در کمیته برگزارای اول مه تشکیل شد، از بین نرفته است. بخشی از این فعالین مورد تعقیب و تعرض رژیم قرار گرفته اند و بخشا اخراج شده اند. اما نفوذ و محبوبیت آنها در میان کارگران به جای خود باقی مانده است. وقت آن است که این فعالین و رهبران کارگری وحدت و همبستگی طبقاتیشان را فشرده تر کنند. دستهایشان را در دست همدیگر نگه دارند و یک تحریک کارگری برای همبستگی بوجود آورند و سدی از

همبستگی و تشکل و اتحاد کارگری در مقابل کارفرماها و دولت حامیشان درست کنند. - اخراج کارگران به هر بهانه ای باید متوقف گردد و کارگران اخراجی به سر کار باز گردانده شوند. - حقوق و مزایای کارگران باید تماما و بموقع پرداخت شود. - قراردادهای موقت یک و دوماهه باید برچیده شوند و همه کارگران از امنیت شغلی برخوردار گردند. - تعقیب و آزار و تهدید فعالین و رهبران کارگری محکوم است و باید خاتمه یابد. - آزادی تشکل و اعتصاب کارگری باید رسمیت یافته و محترم شمرده شود. فعالین و رهبران بخشهای مختلف کارگری شهر حول این مطالبات فوری میتوانند همه مراکز کارگری در سطح شهر را متحد و همبسته کنند. زنده باد اتحاد، تشکل و همبستگی کارگری!

مظفر محمدی- ۷ آبان ماه ۸۵

خلاصه یک خبر

کارگران کارخانه نساجی "شاهو" سنندج دست به تحصن و اعتراض زدند خبری از شهر سنندج حاکیست که کارگران کارخانه نساجی "شاهو" سنندج همانطور که قبلا اعلام کرده بودند از صبح روز شنبه 6 آبان ماه در محوطه این واحد دست به تحصن و اعتراض زدند. کارگران متحصن کارخانه شاهو خواستار پرداخت تمامی حقوق و مزایای معوقه و تمدید دفترچه های بیمه خدمات درمانی خود هستند که مدتی است اعتبار آنها به دلیل عدم واریز حق بیمه از سوی کارفرما تمام شده است.

به دنبال این تحصن کارفرما به محل کارخانه رفته و وعده پرداخت قسطی حقوق کارگران را داده بود، اما کارگران ضمن رد وعده های کارفرما، وی را در داخل کارخانه نگه داشته و اجازه خروج به کارفرما را ندادند. سرانجام کارگران در ساعت 30/11 شنبه شب پس از توافق، اجازه خروج کارفرما را داده و قرار است امروز یکشنبه 7 آبان ماه به کارخانه مراجعه نمایند تا با کارفرمایان، استانداری و اداره کار جهت رسیدگی به خواسته هایشان مذاکره نمایند.

کارگران پریس و ادامه کشمکش

از اول آبان ماه ۱۵ نفر از کارگران پریس قرار داد هایشان ۱ ماهه شد. ۲ نفر از کارگران اخراج شدند. ۶ کارگر جدید با دستمزد کمتر و بدون مزایا استخدام شدند کارخانه پریس در ماه شهریور امسال در کشمکشی سخت با کارفرما و نیروهای سرکوبگر رژیم قادر به تحمل برخی از خواسته‌هایشان شدند.

پس از پایان مهلت قرارداد های ۲ ماهه، کارفرما در اول آبانماه قرارداد های ۱۵ نفر از کارگران را یک ماهه تمدید کرد و ۲ نفر بنام های فرهاد رضایی و خبات مرادی را از کار اخراج کرد.

همزمان با این تحرکات جدید و حمله کارفرما به کارگران، ۶ کارگر زن، با حقوق ۱۵۰ هزار تومان در ماه و بدون مزایا اسخدام میشوند در حالی که دستمزد کارگران در پریس بر اساس قرار داد شهریور ماه بین کارگران و کارفرما و اداره کار، ۱۸۰ هزار تومان در ماه بود.

بر واضح است که کارفرمای پریس و هم پالکی های جنایتکارش، نقشه قرار داد های سفید را قدم به قدم میخوانند بر کارگران تحمیل کنند. در هر قدم کارگران آگاه و نیروی اتحاد و رهبری هوشیار و کارآمد آنها را تهدید و آزمایش کنند و آنچه را میتوانند و قادر باشند تحمیل میکنند.

قرارداد های موقت، بیکاری و باز گذاشتن دست کارفرما برای اخراج کارگران بدون هیچ مانعی، شرایطی است که کارگران را در وضعیت دشواری قرار داده است. اگر این چنین نبود چگونه همزمان با اخراج کارگران و کمتر کردن زمان قرار داد ها، کارگرانی با این چنین شرایطی از بردگی استخدام میشوند.

اما کارگران هیچ راهی بجز بر پا داشتن تشکیلاتی که بتواند آنها و منافعشان را نمایندگی کند ندارند. تحرکی به وسعت شهر سنج و همه مراکز کار و کارگران راه حل است. نمایندگانی که منافع کارگران را در اولویت قرار میدهند، رهبرانی که میدانند در سختترین شرایط باید راه حلی منطقی پیش پا گذاشت و کارگران پیشروی که اتحاد توده کارگران را، راه حل برای ایجاد صفی قدرتمند میدانند باید برای این منظور متحد شوند.

در غیر اینصورت ۲ ماه دیگر کارگران پریس بیکار شده اند، کارگران شاهو اخراج شده و تعدادی دیگر از همه طبقه ای هایمان با دستمزد کمتر و بدون هیچ مزایایی به بردگی کشیده میشوند و شرایطی بس ارتجاعی تر و فضایی مختق تر خواهیم داشت. کارگران، ما راهی جز جلوگیری از این فاجعه با نیروی متحد خود نداریم.

هرگ بر جمهوری اسلامی

زنده باید جمهوری سوسیالیستی

حزب کمونیست کارگری حکمتیست- کمیته سنج

۸ آبان ۸۵

شعاری که انگیزه و نیروی محرکه حرکت رو به جلوی مبارزه طبقاتی و انقلابی در ایران را در یک عبارت کوتاه بیان میکند: "آزادی، برابری، حکومت کارگری" این شعار کارگران انقلابی است. این شعاری است که تمام حرکت‌های انقلابی در ایران معاصر، از انقلاب ۵۷ تا پیروزی نهائی را به هم مرتبط میکند.

"آزادی" یعنی رهایی کامل از قدرت و حاکمیت اقتصادی، سیاسی و فرهنگی سرمایه و سرمایه داری، یعنی رهایی از کلیه روابط، مناسبات و نهادهای اسارت آور و سرکوبگر جامعه بورژوازی، یعنی رهایی از چنگال بردگی مزدی، رهایی از انقیاد طبقاتی، رهایی از سرکوب ماشین دولتی بورژوازی، رهایی از بی حقوقی سیاسی و انقیاد فرهنگی، رهایی از پبله مذهب و پندارها و قوانین و ارزش های خرافه آمیز و عقب مانده جامعه موجود، رهایی از ستم های مذهبی، قومی و جنسی، رهایی از فقر و فلاکت، جهل و خرافه و کل تبعیضات و مصائب جامعه بورژوازی.

"برابری"، یعنی نه فقط برابری حقوقی و قانونی، نه فقط برابری شهروندان جامعه از هر قوم و نژاد و جنسیت، بلکه برابری در امکانات مادی، در دسترسی به ابزارهای ارتقا و شکفتن استعدادهای فردی و اجتماعی، برابری در تولید و در زیست، برابری در اعمال اراده در سرنوشته اقتصادی، سیاسی و اداره جامعه خود - برابری در بهره مندی از محصولات مادی و معنوی کار و تلاش اجتماعی و برابری در مبارزه برای فایق آمدن بر هر عقب ماندگی و کمبود - برابری ای که تنها با در هم کوبیدن مالکیت خصوصی بورژوازی بر وسایل تولید و مبادله، از میان بردن بردگی مزدی و قرار دادن وسایل تولید و ثروت جامعه در مالکیت جمعی و اشتراکی کلیه انسانهای سهیم در فعالیت اجتماعی حاصل میشود.

"حکومت کارگری"، یعنی حکومت طبقاتی کارگران، حکومت استثمار شدگان و تولید کنندگان کل ثروت جامعه بر علیه استثمارگران، حکومت بردگان مزدی امروز و ناجیان فردای جامعه، حکومت کسانی که جامعه، نفس موجودیت و ثروت آن، بر کار و تلاش مدام آنها بنا شده است، حکومت کارگری یعنی طبقه کارگر متشکل بعنوان قدرت و طبقه رهایی بخش حاکم. حکومت کارگری یعنی حکومت سرکوب مقاومت استثمارگران در برابر رهایی بشریت تحت ستم. حکومت کارگری یعنی دیکتاتوری پرولتاریا علیه مدافعان فقر و فلاکت و استثمار و جهل و خرافه. حکومت کارگری یعنی دموکراسی برای کارگران و زحمتکشانش و استثمار شوندهگان و سرکوب برای استثمارگران. حکومت کارگری یعنی ضمانت اجرایی و واقعی آزادی و برابری.

(منصور حکمت)

به سایت منصور حکمت مراجعه کنید!

آثار منصور حکمت را تکثیر و بدست آشنایان خود برسانید!

دستیار سردبیر:

esmail.waisi@gmail.com

دبیر کمیته کردستان:

husienzade_r@yahoo.com
Tel:0046739855837

سردبیر:

sharifi_abdollah@yahoo.com
Tel: 0046704007620

به حزب کمونیست کارگری-حکمتیست پیوندید!